استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

فراموش کردن سلام نماز

س) کسی که سلام نماز را فراموش کرده، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج) اگر هنگامی به یاد بیاورد که صورت نماز به هم نخورده و کاری هم که عمدی و سهوی آن، نماز را باطل می‌کند (مانند پشت کردن به قبله) انجام نداده باشد؛ باید سلام نماز را بگوید و نمازش صحیح است اما اگر کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می‌کند، انجام داده باشد، لازم نیست سلام را بگوید و نمازش صحیح است.

خمس طلای خریداری شده

س) زنی سرویس طلا خریده و سال خمسی آن نزدیک است. ملاک اینکه گفته می‌شود این طلا استفاده شده و مشمول خمس نمی‌باشد، چیست؟

(به عبارتی ملاکِ عدم وجوب خمس در مؤونه، استفاده از آن در طول سال است، یا اینکه نیاز به آن در طول سال کافی است، هرچند موردی برای استفاده از آن پیش نیاید؟)

ج) معیار عدم تعلّق خمس به آن، صدق عنوان نیاز به آن مطابق با شأن عرفی مناسب با انسان است، هرچند در طول سال از آن استفاده نشود.

سوءاستفاده از طلای امانتی

س) اگر مشـــتری، طلایی را از طلافروش امانت بگیرد تا به همسرش نشان بدهد، ولی از آن در مجلس مهمانی استفاده کند و بعداً به بهانه اینکه همسرم پسند نکرده طلا را برگرداند؛

الف) آیا چنین کاری اشکال شرعی داشته و باعث ضامن شدن مشتری می‌شود؟

ب) اگر طلافروش مطلع شـــود می‌تواند تفاوت قیمت طلای دسته دوم و نو را از مشتری بگیرد؟

ج) این کار مشتری خیانت در امانت و حرام است و با این کار ضامن اجرت‌المثل کرایه این طلا در مدت اســـتفاده می‌شود؛ و اگر طلا با این استفاده به عنوان طلای مستعمل و دست دوم محسوب شود، مشتری ضامن مابه‌التفاوت قیمت طلای نو و طلای دست دوم نیز می‌باشد.

مالیات به جای خمس

س) آیا می‌توان مالیات را به جای خمس حساب کرد؟

ج) مالیاتِ پرداختی هر سال از مؤونه همان سال محسوب است، ولی از سهمین مبارکین (خمس) محسوب نمی‌شود، بلکه دادن خمس درآمد سالانه در زائد بر مؤونه سال به طور مستقل، واجب است.

عزاداری در مجتمع مسکونی

س) یکی از ساکنان مجتمع مسکونی از فضای مشاع ساختمان (پارکینگ و زیرزمین) برای برگزاری مراسم عزاداری استفاده می‌کند؛ آیا با توجه به عدم رضایت برخی دیگر از مالکان، این عزاداری جایز و مورد قبول است؟

ج) تصرف در مشاعات ساختمان مذکور (حتی برای عزاداری) بدون رضایت همه مالکان جایز نیســـت ولی شایسته است که مالکان محترم برای برگزاری این امر ارزشمند و پر ثواب اجازه دهند، البته به‌گونه‌ای که موجب اذیت و آزار ساکنان نشود.

تصرف در اموال فرد مبتلا به زوال عقل یا فراموشی

س) افرادی که به دلیل کهولت سن یا بیماری‌هایی مثل آلزایمر و سکته مغزی، مشاعر خود را از دست داده‌اند؛ آیا فرزندان یا نزدیکانشان مجاز به تصرف در اموال آنها برای اداره زندگی خودِ بیمار هستند؟

ج) در هر مورد باید از حاکم شرع، اذن گرفته شود.

حکایت اهل راز

کرامت حضرت ابوالفضل(ع)

آیت‌الله مرتضـــی تهرانی (برادر حاج‌آقا مجتبی تهرانی) ازقول پدرش (میرزا عبدالعلی تهرانی) نقل کرد که در حرم حضرت ابوالفضل(ع) بودم، جنـــازه جوانی را آوردند که روی آن را طناب‌پیچ کرده بودند، یکی از آنها خطاب به آن حضرت کرد و گفت: این جوان، که از دوستان ماست، همراه ما بود و در راه مرد، ما از والدینش اجازه او را گرفتیم و حالا که مرده جوابی برای والدینش نداریم.

این را گفت و ایســـتاد. پس از لحظاتی دیدیم جنازه حرکت می‌کند، با خنجر طناب را پاره کرد و از حضرت تشکر کرد و رفتند و مردم اظهار مسرت کردند.

***کتاب: خاطره‌های آموزنده، نوشته آیت‌الله محمدی ری‌شهری، انتشارات دارالحدیث قم.**

تفاوت شرقی‌ها و غربی‌ها در قرن بیستم

شرقی هرگز در جنایت به غربی نمی‌رسد؛ هولناک‌ترین جنایت‌ها در اسرائیل، کار یهودی‌های غربی است نه یهودی‌های شرقی.

شـــرقی هرگز از نظر جنایت به غربی نمی‌رســـد. شما اگر در تمام تاریخ مشرق‌زمین بگردید، این دو جنایت را حتی در دستگاه اموی پیدا نمی‌کنید: یکی آتش زدن زنده زنده و دیگر قتل‌عام کردن زنان، ولی در تاریخ مغرب‌زمین این دو نوع جنایت فراوان دیده می‌شود.

زن کشتن در تاریخ مغرب‌زمین یک امر شایعی است. هنوز هم باور نکنید که اینها روح انسانی داشته باشند. آنچه در ویتنام صورت می‌گیرد ادامه روحیه جنگ‌های صلیبی و جنگ‌های اندلس آنهاست.

این کار که چندصدهزار نفر را زنده زنده در کوره آتش بگذارند- ولو این افراد جانی هم باشند- کار مشرق‌زمینی نیست و از عهده مشرق‌زمینی چنین جنایتی برنمی‌آید. این کار فقط از عهده مغرب‌زمینی قرن بیستم برمی‌آید. این جنایت که در صحرای ســـینا ده‌ها هزار سرباز را آب و نان ندهند تا از گرسنگی بمیرند برای اینکه اگر اسیر بگیرند باید به آنها نان بدهند، فقط مال غربی است. شرقی این‌جور جنایت نمی‌کند.

یهودی فلسطینی صد درجه شریف‌تر از یهودی غربی است. اگر مردم فلسطین یهودی‌های ملی اهل همان فلسطین بودند که این جنایت‌ها واقع نمی‌شد. این جنایت‌ها همه مال یهودی غربی است.

استاد شهید مطهری، حماسه حسینی، ج۱، صص ۱۹ – ۱۸.

پرکاری علمی شهید مطهری

دکتر محمد اسدی گرمارودی می‌گوید: اواخر اسفند ۱۳۵۶ به شهید مطهری عرض کردم: ما برای تعطیلات نوروز برنامه‌ای داریم. گفتند: خیلی خسته‌ام و دلم می‌خواهد در گوشه خلوتی، چند روزی استراحت کنم. به ایشان عرض کردم: بنده عازم شمال هستم. چند روزی از فروردین گذشته بود که استاد تلفن زدند و آمدند.

در تمام یک هفته‌ای که ایشان تشریف داشتند، با وجود هوای مساعد و محیط مناســـب برای قدم زدن و گردش، در داخل ســـاختمان ماندند. حتی از داخل ســـاختمان هم کمتر پا به حیاط گذاشتند و فقط مشغول نوشتن و مطالعه بودند. روزی به ایشان عرض کردم: شما که خسته بودید و برای رفع خستگی و استراحت مسافرت کرده‌اید، بهتر نیست قدری هم قدم بزنید و رفع خستگی کنید؟ گفتند: اگر یک ماه هم در اتاق بنشینم و به وظایف علمی خود مشغول باشم، راحتم و احساس خستگی نمی‌کنم.

خستگی من در اثر نداشتن فرصت مناسب برای انجام کارهای علمی خودم است. استراحت من، این است که در فرصت مناسب، مطالبی را که لازم می‌دانم، بنویسم و در اختیار علاقه‌مندان قرار بدهم.

پاره‌ای از خورشید، (گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری)، حمیدرضا سید ناصری و امیررضا ستوده ص۲۱۴.

مددرسانی در قرآن

نرگس دوست‌محمدی

قرآن تاکید می‌کند که هر کسی باید در مسائل اجتماعی حضور فعال داشته باشد؛ زیرا تنها راه رهایی انسان از خسران طبیعی در زندگی دنیا و رهایی از «اسفل السافلین» و بازگشت به «احسن تقویم» این است که نه‌تنها ایمان آورده و عمل صالح داشته باشد، بلکه به نقش و وظیفه اجتماعی خود عمل کند و در مقام امر به معروف و نهی از منکر، دیگران را سفارش به حق و صبر کند.

فقر هویتی انسان و نیاز دائمی به امداد الهی

مهم‌ترین امری که انسان باید در همه حوزه‌های تحلیل و تبیین مسائل و موضوعات انسانی به آن توجه کند، فقر و نیاز هویتی خود و نیاز به خدای غنی حمید است: یَا أَیُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَی اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِیدُ (فاطر، آیه ۱۵)؛ زیرا بدون درک این مفهوم نمی‌تواند بدرستی جایگاه و موقعیت خویش را به عنوان انسان در هستی تحلیل کند و براساس توانایی و ضعف خویش برنامه‌ریزی دقیقی داشته باشد. از نظر قرآن، انســـان در هویت ذاتی خویش فقیر و نیازمند است و همواره لازم است همانند لامپ برق از منبع انرژی بهره برد تا خاموش نشود و روشنایی داشته باشد که خود و دیگران از آن بهره‌مند شوند. این منبع انرژی که به انسان وجود و بقا می‌دهد، خدای غنی حمید است که غنای او ازلی و ابدی است.(همان)

این بدان معناســـت که انسان همواره باید از امداد الهی بهره‌مند باشـــد تا وجود و بقا داشـــته باشد؛ درک این نکته می‌تواند به هر انسانی این معنا را بفهماند که نه‌تنها دیگران نیـــاز به امداد و مددکاری دارند، بلکه خود نیز به عنوان یک انسان همواره نیاز به امداد و مدد رسانی دارد.

چیستی مددرسانی و امداد

واژه «مدد» مضاعف به معنای کشیدن، پهن کردن، گستراندن، نیرومند کردن و مانند آنها است. یکی از صفات نیک خدا، «ماد» است؛ این صفت فعل الهی از «مدّ، یمدّ، مدّا» به معنای کشـــیدن و گســـترانیدن است و در مورد کشیدن و گســـترانیدن سایه، یک‌بار در قرآن به‌کار رفته است.(فرقان، آیه ۴۵؛ اسما و صفات الهی فقط در قرآن، ج ۲، صص ۱۳۱۰- ۱۳۱۱. این صفت الهی به همین صورت در ادعیه نیز آمده است.(المقام الاسنی، ص ۹۵)

امـــا واژه «امداد» از باب ثلاثی مزید افعال، به معنای دستگیری، یاری، مساعدت و کمک کردن است. مصطفوی می‌نویسد که امداد از واژه ثلاثی مجرد «مدد» به معنای انبســـاط و امتداد به‌کار رفته اســـت.(التحقیق، حســـن مصطفوی، ج ۱۱، ص ۵۲) مدت نیز که برای زمان مستمر به‌کار می‌رود از همین باب است.(مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، ص ۷۶۳) این واژه بر زیاد شدن هم دلالت دارد، چنان‌که زمان مد آب رودخانـــه و دریا، بر آب آن افزوده می‌شود.(لسان العرب، ابن منظور، ج ۱۳ص ۵۰)

امداد به معنای یاری کردن دیگری است و بیشتر در امور پسندیده و دوست داشتنی به‌کار می‌رود؛ برخلاف مد که در امور ناپسند استعمال شده و به‌کار رفته است.(مفردات الفاظ قرآن، کریم، راغب اصفهانی، ص ۷۶۳) به نظر می‌رسد که امداد تنها در امور مادی به‌کار نمی‌رود و کاربرد آن در امور معنوی نیز بسیار است.(التحقیق، مصطفوی، ج ۱۱ ص ۵۲؛ مقاییـــس اللغه، ج ۴، ص ۴۰۳) از جمله کاربردهای آن، امدادهای غیبی معنوی خداوند است. امدادهای غیبی کمک‌ها و یاری رساندن پنهانی است، مانند امدادهایی که خداوند در جنگ‌های صدر اسلام به پیامبر(ص) و مؤمنان می‌رساند و آنان به توفیق و امداد الهی بر دشمنان پیروز می‌شدند. قرآن در ۴۰ آیه به مباحث پیرامون امداد غیبی به مؤمنان و پیامبر (ص) اشاره کرده است.(جهاد در قرآن سیدحســـین طاهری خرم‌آبادی چاپ اول تهران، وزارت ارشاد، ص ۱۲۹) البته این غیر از امدادهای خداوند است که به شکل هدایت بخشی، حکمت‌افکنی، توفیق‌یابی و حفظ و نگهداری از گناه و مانند آن صورت گرفته و در آیات دیگری مطرح شده است. ناگفته نماند که ترکیب امداد غیبی در قرآن نیامده است و این واژه ترکیبی از آیات متعدد قرآن اتخاذ شده است، آیاتی که به فرستاده شدن سپاه نامرئی فرشتگان (آل‌عمران؛ آیات ۱۲۴ و ۱۲۵) و ایجاد آرامش در دل‌های مؤمنان (توبه، آیه ۲۶) اشاره دارد، از جمله آیاتی است که به سبب آن این واژه و اصطلاح پدید آمده است.

امـــا آنچه محل بحـــث در این مقاله اســـت، امداد و مددرسانی انسان به انسان نیازمند دیگری است که می‌تواند آن نیز به دو شکل امدادهای مادی یا معنوی باشد.

از نگاه قـــرآن، وظیفه هر مسلمانی این است که در نقش اجتماعی به تعـــاون در کارهای گســـترده نیکوکاری و تقـــوای الهی قیام کند و از هرگونـــه گنـــاه و تجاوزگـــری به حقوق دیگران دست بردارد.

قرآن تاکید می‌کند که هر کســـی باید در مســـائل اجتماعی حضور فعال داشته باشد؛ زیرا تنها راه رهایی انسان از خســـران طبیعی(عصر، آیه ۱) در زندگی دنیا و رهایی از «اسفل السافلین» و بازگشت به «احسن تقویم»(تین، آیات ۴ و ۵) این است که نه‌تنها ایمان آورده و عمل صالح داشته باشد(تین، آیه ۶؛ عصر، آیه ۲)، بلکه به نقش و وظیفه اجتماعی خود عمل کند و در مقام امر به معروف و نهی از منکر، دیگران را سفارش به حق و صبر کند.(عصر، آیه ۳)

بنابراین، مشارکت در زندگی اجتماعی یک وظیفه برای رهایی از خسران و همچنین ظهور اسما و صفات الهی در انسان است؛ وگرنه انسان در مرتبه «کالانعام بل هم اضل یعنـــی مرتبه چارپایان و نبات و جماد»(اعراف، آیه ۱۷۹) باقی می‌ماند و نمی‌تواند استعدادها و توانایی ذاتی خویش را شکوفا کند؛ زیرا با اجرای چهار عمل اصلی ایمان و عمل صالح و توصیه دیگران به حق و صبر است که می‌تواند به مقامی برسد که «ممنون» یعنی مقطوع از دیگران باشد و به یک غنا و بی‌نیازی با اتصال به منبع انرژی یعنی خدا دست یابد.(تین، آیه ۷)

از نگاه قرآن، وظیفه هر مسلمانی این است که در نقش اجتماعی به تعاون در کارهای گسترده نیکوکاری و تقوای الهی قیام کنـــد و از هرگونه گناه و تجاوزگری به حقوق دیگران دست بردارد.(مائده، آیه ۲)

براساس آموزه‌های قرآن، در هر اجتماعی که براساس نظام اجتماعی- سیاسی ولایی شکل گرفته، گروهی موظف هستند تا در قالب نظام مند به کارهایی بپردازند که شامل گـــردآوری زکات(توبه، آیـــه ۶۰)، امر به معروف و نهی از منکر(آل‌عمران، آیه ۱۱۰) و امور دیگر است.در این حالت، مددکاری به عنوان یک شغل اجتماعی سازمان‌یافته مطرح می‌شود. به سخن دیگر، مددکاری به معنای یک شغل از مشاغل در نظام سیاسی اجتماعی ولایی مطرح می‌شود و کسانی موظف هستند تا به شکل منظم و سازمان‌یافته به شناسایی مددجویان اقدام و آنان را با توجه به مشکلات عام وخاص مددرسانی کنند. این‌گونه است که مددکاری حرفه‌ای و سازمانی در اجتماع شکل می‌گیرد.

مددرسانی، عملی انسانی و پسندیده

از نظر قرآن مددرســـانی در امـــور گوناگون از جمله حل مشکلات خانوادگی(نساء، آیه ۳۵) یا مالی یا روحی و روانی و یا آموزشی و پرورشی امری پسندیده و در برخی از موارد نه‌تنها مستحب بلکه واجب است. کمک مالی به نیازمندان و برطرف کردن مشکلات اقتصادی مددخواهان یکی از واجبات است که در قالب پرداخت زکات و خمس و صدقات مالی انجام می‌شود. از نگاه آموزه‌های قرآن، انسان‌ها باید به مســـئله نوع‌دوستی توجه داشته باشند و فراتر از مذهب و جنس و قبیله و نژاد با یکدیگر تعامل داشـــته و عدالـــت را اجرائی کنند تا همگان از مواهب و نعمت‌های الهی برخوردار باشند و به مقام بایسته و شایسته خلافت انسانی برسند.(حدید، آیه ۲۵) انسان‌ها در نگرش قرآنی از نفس واحدی آفریده شـــده‌اند و در میان‌شان هیچ‌گونه تفاوتی نیست؛ بنابراین باید اصل رحمت و مهروزی را در میان خود رعایت کنند. قرآن‌کریم بعثت پیامبر را رحمت برای جهانیان چه مؤمن و غیرمؤمن بر می‌شمارد.(انبیاء، آیه ۱۰۷) و از مؤمنان می‌خواهد تا پیامبر خویش را سرمشق خود قرار داده و از او پیروی کنند. در ستایش مؤمنان نیز می‌فرماید که ایشان در میان خودشان مردمانی مهربان و مهروز هســـتند و تاکید می‌کند که مسئله مهروزی از خصوصیات و ویژگی‌های مؤمنان و یاران پیامبر اســـت. (رحماء بینهم) و یکی از مصادیق نوع‌دوستی و مهروزی، کمک و امدادرســـانی به نیازمندان در هنگام سختی‌ها و بلایا است. همچنین ایجاد همبستگی اجتماعی که یکی از اهداف قرآنی است با این امر تحقق می‌یابد که مردمان در هنگام سختی‌ها و بلایا دستگیر یکدیگر باشند وبه هم کمک و یاری رسانند. محرومیت‌زدایی، از دیگر علل و مبانی قرآنی است که می‌توان برای مسئله امدادرسانی بیان کرد؛ قرآن می‌فرماید: «فی اموالهم حق للسائل و المحروم»؛ در اموال مؤمنان حقی برای درخواست‌کنندگان و محرومان است.(ذاریات آیه ۱۹؛ معارج، آیات ۲۴ و ۲۵) امدادرسانی به افراد فقیر و ناتوان یکی از واجباتی است که در این آیه برعهده مؤمنان نهاده شده است.

حوزه‌های مددرسانی اجتماعی

از نظر قرآن، بعثت پیامبران(ع) به این هدف بوده تا با تعلیم و تزکیه یعنی آموزش‌وپرورش براساس آموزه‌های اســـلام با ارائه معـــارف و حقایق ملک و ملکوت و تبیین حقوق طبیعی و انســـانی خود و ارائـــه قوانین مکتوب و مـــدون در یک اجتماع و امت مدنی، مردم را نســـبت به حقیقت خود در هستی و حقوق خویش در اجتماع آگاه کرده و آنان را تشویق به گرفتن حقوق طبیعی و اجتماعی خود کنند.(بقره، آیات ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل‌عمران، آیه ۱۶۴؛ جمعـــه، آیه ۲؛ حدید، آیه ۲۵) البته در این میان وظیفه مؤمنان در اجتماع سنگین‌تر از دیگران است؛ زیرا باید به عنوان نمایندگان و گواهان الهی در اجتماع بشری حضور پررنگ و مثبتی داشـــته باشـــند، به طوری که «قوامین بالقسط شهداءلله»(حدید، آیه ۸؛ نساء، آیه ۱۳۸) باشند و در تحقق عدالت و مطالبه‌گری پیشگام باشند.(همان) از همین‌رو در آیات قرآن، یکی از وظایف مؤمنان و امت، حمایت از همه مددخواهان مظلوم و نیز مســـتضعفان و ضعیف نگه داشـــته‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی برشمرده شده است(نساء، آیه ۷۵) به طوری که باید برای رسیدن به این هدف گاهی اسلحه و سلاح به دست گیرند و به جنگ بروند.(همان)

مدیریـــت اقتصادی و منابـــع و ثروت‌های عمومی و جمع‌آوری زکات و صدقات برای حمایت و تقویت گروه‌ها و افراد نیازمند و مددجو از دیگر واجبات نظام ولایی است که در آیات قرآن بیان شده است. از نظر قرآن نظام اسلامی باید در ساختار سازمانی و مدیریت منظم و سازمان داده شده به این امور بپردازد؛ چنان‌که خدا بصراحت در این باره می‌فرماید:صدقات تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان گردآوری و پخش آن و کسانی که دلشان به دست آورده می شود و در راه آزادی بردگان و وامداران و در راه خدا و در راه‌ماندگان اختصاص دارد، این به عنوان فریضه از جانب خداست و خدا دانای حکیم است. (توبه، آیه ۶۰)

همچنین درباره انفال و فیء که از مهم‌ترین مصادیق بیت‌المال و ثروت‌های عمومی اســـت، به این نکته توجه می‌دهـــد کـــه باید از این امـــوال برای امـــداد و یاری به مددجویانی که گرفتار هستند، هزینه شود؛ خدا می‌فرماید: آنچه خدا از دارایی ســـاکنان آن قریه ها عاید پیامبرش گردانید از آن خدا و از آن پیامبر او و متعلق به خویشاوندان نزدیک وی و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان است تا میان توانگران شما دست به دست نگردد و آنچه را فرستاده او به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است. (حشر، آیه ۷)

در آموزه‌های قرآنی این نکته گوشـــزد می‌شـــود که انسان و اجتماع می‌تواند با مدیریت درست، زندگی فردی و اجتماعی خویش را تغییر دهد و جامعه را به سوی تغییرات بزرگ سوق دهد؛ خدا می‌فرماید: برای او فرشتگانی است که پی در پی انسان را به فرمان خدا از پیش‌رو و از پشت ســـرش پاسداری می‌کنند، در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد هیچ برگشتی برای آن نیست و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهد بود. (رعد، آیه ۱۱)

در این آیه بیان شـــده که همواره امدادهای غیبی از ســـوی خدا نصیب هر انسانی است و خدا او را به اشکال مختلف حمایت و حفظ کرده و یاری می‌رســـاند؛ اما این بدان معنا نیست که خود هیچ‌کاری نکند، بلکه چنان‌که از آیه ۲۵ سوره مریم به دست می‌آید، از تو حرکت از خدا برکت. بنابراین، انسان و اجتماع باید خود گام‌هایی برای تغییر بردارند و شرایط خود را بهبود بخشند. پس اگر خود کاری کرده که شرایط نامناسب شده یا دیگران در این امر دخالت داشـــتند، باید در گام نخست تغییر در خود و یا شرایط محیطی ایجاد کند تا وضعیت تغییر کند؛ چنان‌که خدا درباره فشارهای محیطی آلِ فرعون و بحران اجتماعی در مصر می‌فرماید: ذَلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ یَکُ مُغَیِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَی قَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِیعٌ عَلِیمٌ؛ این کیفر بدان ســـبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند و خدا شنوای داناست. (انفال، آیه ۵۳)

از آنجا که بیشترین بحران در افراد و اقشار اجتماع به سبب فقدان ایمان قوی به مشیت الهی است، نمی‌توانند تحلیل درستی از رخدادها و حوادث به‌ویژه از دست دادن عضو در بدن یا خانواده یا سرمایه شوند و با نگاهی به ثروت و وضعیت دیگران به داوری می‌پردازند و باطن زندگی خود را با ظاهر زندگی دیگران مقایسه می‌کنند که آسیب‌زایی را بیشتر می‌کند؛ زیرا از نظر قرآن چنین رویه‌ای جز خیال‌بافی نیســـت که موجب یاس در برخی و خوشحالی بدمستانه در برخی دیگر از افراد می‌شود؛ چنان‌که خدا می‌فرماید: هیچ مصیبتی (ناخواسته) در زمین و نه در وجود شما روی نمی‌دهد مگر اینکه همه آنها قبل از آنکه زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است؛ و این امر برای خدا آسان است! این به‌خاطر آن است که برای آنچه از دست داده‌اید تأسف نخورید و به آنچه به شما داده است مغرور و شادمان نباشید؛ و خداوند هیچ متکبّر فخرفروشی را دوست ندارد! (حدید، آیات ۲۲ و ۲۳) اصولا کسی که نسبت به این امور توجه نداشته باشد، علل و عوامل را محصور در امور مادی کرده و گرفتار سرخوردگی و یأس می‌شود که عامل بحران‌های عظیم روحی و روانی و اجتماعی و بزهکاری می‌شـــود. از این‌رو در آیات قرآن امید به خدا و عدم یأس مورد تاکید قرار می‌گیرد تا شخص بداند برای هر مشکلی راهکاری است و روزنه امید همواره باز است، از همین‌رو در توبه را برای گناه مثلا گشوده است تا هرگز انسان مأیوس و سرخورده از گناه و تبعات آن نشود.(فصلت، آیه ۴؛ حجر، آیه ۵۶؛ روم، آیه ۳۶؛ آل عمران، آیه ۱۳۹؛ نساء، آیه ۱۱۶؛ زمر، آیه ۵۳)

از نظر آموزه‌های قرآن، انسان‌ها قدرت حل مشکلات خودشان را دارند و توانایی‌های فیزیکی، روانی، اجتماعی، عقلی و اقتصادی در اختیار هر انسان قرار دارد تا او را در حل مشـــکلات کمک کند؛ اما گاهی مشکلات افراد در حدی است که فرد به کمک دیگران نیاز دارد. چنانچه فرد دارای مشکل که برای حل مشکلاتش به کمک دیگران نیازمند است را مددجو بنامیم مددکار کسی خواهد بود که می‌تواند به شناسایی و حل مشکل به مددجو کمک کند. این همان چیزی اســـت که در آیات قرآن بارها به اشکالی چون مشورت، اصلاح ذات‌البین اشاره شده است.

به عنوان نمونه در مددکاری نسبت به مسائل و اختلاف خانوادگی آمده اســـت: و اگر از جدایی میان آن دو زن و شوهر بیم دارید، پس داوری از خانواده آن شوهر و داوری از خانواده آن زن تعیین کنید. اگر سر سازگاری دارند خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد آری خدا دانای آگاه است. (نساء، آیه ۳۵) در این آیه افزون بر اینکه بر مددرسانی در قالب حکمیت میان همسران تاکید شده، بر اینکه مددکار باید از اهل همان خانواده باشد تاکید شده تا بتواند با موعظه و نصیحت بـــه مددکاری بپردازد؛ زیرا این‌گونه مددکاری می‌تواند بیشـــتر مفید و سازنده باشد و از فراگیر شدن و دامن‌زدن به مشکل جلوگیری کند و مددجویان را به دور از هر گونه هیاهو یاری رساند.

براساس آیات قرآن، هر گونه یاری‌رسانی و کمک باید برای اصلاح امور و در دفاع از اقشار آســـیب‌پذیر یا در معرض خطر و آسیب باشد؛ نه اینکه زمینه‌ای برای آوارگی، تجاوز ، ظلم و ستم ، گناه و یا حمایت از مجرمان باشد که قرآن چنین رویه در رفتار و عمل اجتماعی را امری ناپسند و حرام دانسته و مردمان را از آن برحذر داشته است.

بایسته‌های مددکاری و مددرسانی

افزون بر اینکه در مددکاری لازم اســـت تا حریم‌های اشخاص و حرمت‌ها حفظ شـــود و به شکل تجسس در زندگـــی دیگران بروز و ظهور نکند که در روان‌شناســـی غربـــی اکثرا به ایـــن حوزه وارد می‌شـــوند به طوری که سوءاستفاده‌های جنسی و مالی و مانند آن را نیز به دنبال دارد. از همین‌رو در قرآن از هرگونه تجســـس در زندگی دیگران برحذر داشـــته می‌شود و مددکار نمی‌بایست در حوزه‌هایی وارد شود که حریم خصوصی را به خطر می‌اندازد یا به تشدید بحران یا سوءاستفاده می‌انجامد. (حجرات، آیه ۱۲)در آیات قرآن تاکید می‌شود که مددکاران و مددرسانان ضمن پایبندی و اعتقاد به اصول مذهبی و اخلاقی و رعایت اصـــول حرفه‌ای و ضروری مـــددکاری همچون رازداری، مشارکت‌دادن مددجو در فعالیت‌ها، احترام به احساسات مددجو، عدم پیش‌داوری درباره مددجو، ایجاد رابطه عاطفی و دوجانبه با مددجو، پذیرش مددجو به عنوان یک انسان با تمام خصوصیاتی که دارد و شخصیت قائل شدن برای مددجو، بر اســـاس میزان انگیزه، ظرفیت و استعداد آنان برنامه ویژه کمک‌رسانی را تنظیم کنند.

در مددرسانی میان همسران یا کسانی که به شکلی مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند، نباید مظلوم فراموش شود و با پیشداوری و بدگمانی(حجرات، آیه ۱۲) یا بیان القاب و صفات زشت و بدنام کردن(حجرات، آیه ۱۱) مسیر را از راه به بیراهه نکشاند یا به دفاع از ظالم بر نیاید و پشتیبان آن نشود؛ خدا در این زمینه هشدار داده و می‌فرماید: فلاتکونن ظهیرا للکافرین؛ مؤمنان نباید یاری‌رسان و مددکار کافران باشند.(قصص، آیه ۸۶) چنان‌که کمک‌رسانی به کسانی که می‌کوشند تا مردمانی را از سرزمین خویش آواره کنند به عنوان امری ناپسند و حرام شمرده شده است.(بقره، آیه ۸۵)

براســـاس آیات قرآن، هر گونه یاری‌رســـانی و کمک باید برای اصلاح امور و در دفاع از اقشار آسیب‌پذیر یا در معرض خطر و آسیب باشد؛ نه اینکه زمینه‌ای برای آوارگی (بقره؛ آیات ۸۳ و ۸۵)، تجاوز (همان)، ظلم و ستم (ممتحنه، آیـــه ۹)، گناه (بقره، آیه ۸۵؛ قصص، آیه ۱۷) و یا حمایت از مجرمان (قصص، آیه ۱۷) باشد که قرآن چنین رویه در رفتار و عمل اجتماعی را امری ناپســـند و حرام دانسته و مردمان را از آن برحذر داشته است.

از آنجا که مهم‌ترین نیاز هر انسانی تامین امنیت غذایی و روانی اســـت تا سعادت را احساس کند، در آموزه‌هـــای وحیانی به این نکته توجه داده شـــده تا همگان از آســـایش و آرامش برخوردار باشند. (نور، آیه ۵۵؛ قریش، آیه ۴) بنابراین، مددرســـانان باید در اندیشـــه تامین این دو نیاز طبیعی به شکل موقت یا دائم برآیند تا مددجو در نهایت سرپای خود بایستد و از مددجو به مددکار تبدیل شود. در آموزه‌های اسلام و قرآن مسائل و امور بسیاری درباره مددرسانی بیان شده که بیان همه آنها بیرون از حوصله این مقاله بوده و به همین میزان بسنده می‌شود.

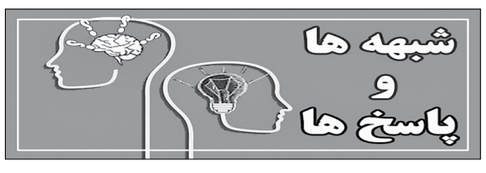

مکر انسان و مکر خدا

شبهه: در قرآن آمده که کفار مکر می‌کنند و خدا هم مکر می‌کند. مگر مکر کار قبیحی نیست؟ و آیا از خدا کار قبیح صادر می‌شود؟

پاسخ: کار غلط، زشت، قبیح، مضر و...، همه معلول جهل، ضعف، حرص و ســـایر حالات نفسانی است که به خداوند ســـبحان راه ندارد. جهل، نبود عقل و علم است، ضعف، نبود قوت اســـت، حرص، آز، طمـــع و... به خاطر کمبود و ضرورت رســـیدن به کمالی است و خلاصه همه گواه بر عدم، نیســـتی و نقص می‌باشند، در حالی که حق تعالی هســـتی و کمال محض است و هیچ‌گونه نیستی، عیب، نقص و کاستی به او راه ندارد، پس هیچ‌گاه و در هیچ حالت یا هیچ مصداقی، فعل غلط یا غیر حکیمانه از او صادر نمی‌شود، او منزه از این‌گونه توصیف‌هایی است که منحصر به مخلوقات می‌باشد، چنان‌که در قرآن آمده است: «خدا منزه است از آنچه در وصف می‌آورند.» (الصافات، ۱۵۹)

مکر در قرآن

در قرآن کریم آیات متعددی تصریح به «مکر الهی» دارد، ماننـــد: - «وَمَکَرُواْ وَمَکَـــرَ اللّهُ وَاللّهُ خَیْرُ الْمَاکِرِینَ» (آل عمـــران، ۵۴)؛ آنها مکر کردند و خدا هم [در پاسَـــخ آنها] مکر در میان آورد و خدا بهترین مکرکنندگان است.

- «وَمَکَرُوا مَکْرًا وَمَکَرْنَا مَکْرًا وَهُمْ لَا یَشْعُرُونَ» (النّمل، ۵۰)؛ و آنها مکر بزرگی کردند و ما نیز مکر بزرگی کردیم در حالی که آنها توجه نداشتند. اما چه کسی گفته که «مکر» فعل قبیحی اســـت. دقت شود که وقتی بیان و استدلال می شود که از خداوند متعال فعل قبیح صادر نمی‌شود، یعنی آنچه از اعضا، حالات، کشش‌ها و استعدادهایی که به انسان یا سایر مخلوقات داده نیز ذاتاً قبیح نیست، بلکه هدف و شـــیوه تحقق و استفاده است که قبیح می‌شود. مگر شهوت جنســـی، یا توان قتل قبیح است؟! مکر نیز بالذاته قبیح نمی‌باشد.

مکر، یعنی حیله یا همان چاره. منتهی انسان چون ضعیف و ناتوان است، گاهی چاره کار را در نیرنگ می‌بیند و گمان می‌کند که می‌تواند به خداوند سبحان و صمد نیز نیرنگ بزند. لذا مکرش همان نیرنگ می‌شود. اما خداوند برای پاسخگویی به این نیرنگ‌ها(مکرها)، نیازی به نیرنگ متقابل ندارد، بلکه مکرشان(تدبیرشان) را با مکری(تدبیری) برتر پاســـخ می‌دهد. دقت شـــود که «چاره» یا به تعبیر دیگری «راهکار»، با اســـباب و وســـائل متناسب محقق می‌شـــود. به عنوان مثال عده‌ای که شاهد عذاب الهی به اقوام گذشته بودند، می‌رفتند در غارها خانه می‌ساختند و گمان می‌کردند که این‌جا از عذاب الهی محفوظ می‌مانند و بدین‌ترتیب به خدا نیرنگ زده‌اند، خدا هم چاره آنها را از جای دیگری می‌فرستاد که فکرش را هم نمی‌کردند.مثلا آنان را با زلزله، طوفان و... نابود می‌ساخت. این همان پاسخ مکر به معنای نیرنگ با مکر دیگری به معنای «تدبیر» است.

انسان تدبیر می‌کند، خدا هم که «مدبرالامور» است تدبیر می‌کند. اما انسان چون از سویی جاهل است و از سوی دیگر مالکیتی ندارد، در تدبیرش دست به نیرنگ می‌زند، اما خداوند متعال که علیم و مالک‌المُلک است، نیازی به نیرنگ ندارد، بلکه نیرنگ مکاران را با تدبیر خود پاســـخ می‌دهد. پس، مکر خدا، بـــه راهکارهای مجازات مکاران گفته می‌شود و منشأ مکر خداوند متعال نیز تدبیر مبتنی بر علم و مالکیت او بر